

### متن پرسش

سلام علیکم: اکنون پس از گذشت چهل و یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود این همه سختی و مشقت و حتی تبعیض‌هایی که دیده می‌شود و جان مردم را به لب رسانده، چه امیدی برای دفاع از انقلاب هست؟ اگر دستاوردهای انقلاب اعم از موشکی و نانو و صنایع و علوم جغرافیایی و زیستی و هسته‌ای و کشاورزی و ... بخواهیم بدانیم که خب می‌شد اینها را حتی تحت لوای حکومت پهلوی هم ببینیم پس دقیقاً ما از چه دستاوردی دفاع می‌کنیم؟ از این صنایع یا انسان‌هایی که تحت لوای انقلاب تربیت شده‌اند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در محل هویزه در رابطه با بودن شد که شاید در این رابطه مفید باشد: «با حضور در این سرزمین که صحنه‌های ایثار و شهادت بوده و می‌دانیم بر این سرزمین چه‌ها گذشته، چه احساسی در شما پیش می‌آید. عده‌ای در دریای عشق، زندگی را شناختند و بدون گرفتارشدن در زندگی‌های عرفی، خواستند به زندگی خود معنای دیگری ببخشند و «طرح‌اندازانه» به میدان آمدند و عالم را از آن خود کردند. برعکس جبهه‌ی استکبار که در توهم خود، می‌خواهد عالم را از آن خود کند. شهدا با حضور در جبهه حق، عالم را از آن خود کرده‌اند و مستکبران ناراحتند چرا ایران در منطقه فعال است. در حالی که حضور ما در منطقه در راستای به خودآوردن مردم منطقه است و نه آن‌که مثل شما دست به غارت ثروت و فرهنگ ملت‌ها بزنیم. این مردم منطقه‌اند که به خود آمده‌اند و گرنه ما کار خاصی نکرده‌ایم. این یک قاعده در این عالم است که وقتی هر ملتی با فرهنگ ایثار و شهادت به صحنه آمد، آن ملت صاحب سرنوشت خود می‌شود. مقام معظم رهبری «حفظه الله» فرمودند: شما فشار را از مردم بردارید ببینید چگونه همه به حاکمیت حق رجوع می‌کنند.

عرض شد شهداء در زندگی «طرح‌اندازانه» به میدان آمدند و عالم را از آن خود کرده‌اند. حال سؤال این است که شما با نظر به راهی که شهدا مقابل‌تان قرار داده‌اند، آیا طرحی برای معنابخشیدن به زندگی‌تان پیدا کرده‌اید؟ این سؤال بنده، ماورای آن است که شما نماز می‌خوانید و روزه می‌گیرید تا بهشت بروید ولی آیا فکر کرده‌اید تا در‌إزای طرحی که برای زندگی‌تان دارید این عبادات را انجام دهید تا آنچه در دوردست شماست از آن شما شود و بتوانید صدای آن را بشنوید که به شما می‌گوید: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ؟» (هود/۸۱) معنی اش این است که آیا می‌دانید آن گشودگی صبحگاهان که به

دنبال آن هستید، دور نیست، به همان معنایی که قیامت نزدیک است. با توجه به این که در وصف قیامت دارید: «وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (انفطار/۱۹). قیامت آنجایی است که امر تنها از آن خدا است و شما هیچ اختیاری ندارید. پیامبر خدا (ص) می فرماید: «الآن قیامتی قائم» یعنی آن قیامتی که به یک معنا در دور دست هاست، برای حضرت نزدیک شده است. این نشان می‌دهد، اگر انسان برای معنابخشی به زندگی خود طرح داشته باشد، اساساً همه‌ی آنچه در دور دست هاست، نزدیک می شوند. شهدا در هویتی که انسان زندگی اش را در دل این طرح اندازی معنا می کند، نشان دادند چقدر خوب می شود به آنچه به ظاهر دور است، نزدیک شد.

شهداء مانند رهبرشان یعنی حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» با هر آنچه که می‌خواست او را به انسانی ذلیل و منفعل تبدیل کند، سر ستیز داشت. شهداء خودشان برای خودشان مسئله بودند و دائماً با خود سخن‌ها داشتند که چگونه باید زندگی را طراحی کرد که زندگی معنا داشته باشد؟ و بالاخره با انتخابی همراه با شور و عشق و در نهایت صفا و سادگی، زندگی را معنا کردند تا توانستند باب شهادت را در مقابل خود بگشایند. تأکید بنده بر آن اصل است که بنا نداشتند تحقیر شوند زیرا کربلا را در مقابل خود می‌دیدند که راهی است به سوی رحمت الهی. ما نیز خودمان برای خودمان مسئله‌ایم که کجا باید باشیم و چگونه بودن را باید بودن خودمان بدانیم؟ بنده به جهت شرایط سنی و موقعیتی که داشتم با بعضی از شهداء مرتبط بودم، گاهی در خلوتی که با هم داشتیم و صحبت می‌کردند، چیزی را که از سخنان آن‌ها احساس می‌نمودم و مسئله‌شان شده بود، نحوه‌ی «بودن» بود، خودشان برای خودشان در نحوه‌ی بودن‌شان مسئله داشتند. مثل آن که هرکدام از ما برای خودمان باید مسئله باشیم که چه نوع بودن را باید برای خودمان بودن حقیقی بدانیم و چه معنایی باید از خودمان داشته باشیم؟ در آن حالت یعنی وقتی به بودن خود نظر کردید آری! فقط به «بودن» خود نظر کردید. خدا می داند از بسیاری از دغدغه‌ها و احساس محرومیت‌ها آزاد می‌شوید و تعجب خواهید کرد چرا محرومیت‌های دنیایی را محرومیت می‌دانستید. در دنیایی که با حضور در آن نحوه‌ی «بودن»، با سعه ی رحمت الهی روبه‌رو می‌شوید. موفق باشید.